

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



قضاوت در حدود صلاحیت

- * بیماری خطرناک «خبر سازی»!
- * پروفیسور در اسل می، و مساله تعدد زوجات
- * تعدد زوجات با امتداد روپائی!
- * پاسخ بعضی از اشتباه کاریها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز باطن‌شناسی

یکی از بیماریهای خطرناک بعضی از گردانندگان جرائم بیماری «خبر سازی» و «خبر تراشی» است.

این دسته عطش عجیبی برای ساختن و پرداختن خبرهای پرسروصدا دارند؛ مخصوصاً هنگامیکه درد دنیا خبری نباشد و اوضاع جهان جریان عادی خود را طی کند، و با اصطلاح «قحط الاخبار» شود دستگاههای «خبر سازی» بکار میافتد و برای ساختن اخبار هیجان‌انگیز و صحنه‌های مصنوعی با هم مسابقه می‌گذارند.

گاهی پیرمرد کهنسالی را که شاید هیچگونه مدرکی از تاریخ تولد او در دست نباشد در یکی از دهات «جوشقان» و «مزلقان» پیدا کرده و از راههایی که خودشان بهتر میدانند سن واقعی او را بین ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ تخمین می‌زنند و باین ترتیب معمرترین مرد سال کشف میشود. طبق معمول، خبرنگار زبده و ورزیده خود را برای مصاحبه و تهیه رپرتاژ لازم سر وقت

پیر مرد میفرستند ؛ خیر نگار هم معمولاً برای دست یافتن باین «اعجوبه تاریخ بشر» ۱ متحمل زحمات طاقت فرسائی شده و با اسب و قاطر از کوهها و گردنههای صعب العبور میگذرد و بمقر اصلی پیر مرد که نسال میرسد و از طرز زندگی ؛ و رمز طول عمر او ؛ و خواب و خوراک او و ... رپرتاژ مفصلی با عکس و تفصیلات لازم برای مزید اطلاعات خوانندگان گرامی روزنامه ؛ و مزید سرمایه گردانندگان آن فراهم میسازد ۱ .

گاهی يك سخن عادی ، يك مطلب پیش پا افتاده مربوط بیکي از رجال سیاسی را زیر «میکروسکوپهای الکترونی» خود گذارده (فراموش نکنید که قدرت بزرگه نمائی این نوع میکروسکوپها بالغ بر صد هزار برابر است ۱) و آنرا با آب و تاب هر چه تمامتر با حروف درشت (به پهنی يك بند انگشت ۱) با تجزیه و تحلیل دقیق منعکس میسازند ، و باین ترتیب «خوراک مناسبی» برای روزنامه تهیه میکنند .

اگر احیاناً دستشان از همه جا کوتاه شد سراغ خبرهای سینمایی و ویژه کاریهای مخصوص حالات هنرمندان و هنر پیشگان سینما میروند و از يك «چشمک زدن پر معنی» ۱ دوهنر پیشه زن و مرد پرده از روی يك ماجرای عشقی آتشین و شورانگیز برمیدارند و بدنبال آن صدها مطالب خواندنی و دیدنی ۱ که چشم روزگار ندیده و گوش هیچکس تا کنون نشنیده برای «خوانندگان عزیز» فراهم مینمایند .

اگر شانس یاری کند و در این مواقع بهرائی قحط الاخبار ؛ «سداش» نامی پیدا شود و دسته کلی بآب دهد و یا جنایتی در آپارتمان شماره فلان واقع شود یا سرمائی شود و گرگی شهری حمله کند آن موقع است که قند در دلشان آب میشود و تا مدتی هر روز صحنه تازه ای از این ماجرا با عکسهای تازه زیب صفحات روزنامه میشود ، و اینگونه اخبار معمولاً يك حالت «هیجان منناب» ۱ دارد یعنی هر وقت سایر اخبار ته میکشد ؛ سری بآن زده ، و موج تازه ای در آن میاندازند

* * *

اینکه میگوئیم بیماری «خبر سازی» و «خبر تراشی» يك بیماری خطرناك است ، که دامنگیر بعضی از گردانندگان مطبوعات شده ؛ البته از نظر ماست و از دریچه فکر ناقص ما ۱ زیرا ما می بینیم این خلافتکونیاها و اغراقهای بیجا و بزرگ نشان دادن حقایق کوچک و ساختن و پرداختن صحنه هایی که اصلاً وجود خارجی ندارد یا اگر دارد باین صورت نیست نتیجه ای جز انحراف افکار عمومی ؛ گمراه شدن مردم ، عادت کردن بموهومات ؛ اشتباه در مقناوت و بالاخره اتلاف وقت و دهها بدبختی دیگر ، ندارد ، و در هر حال زیانهای «اخلاقی» آن قابل انکار نیست .

اما از دریچه چشم موشکاف این دسته از گردانندگان مطبوعات این بیماری نیست بلکه یک عامل مهم موفقیت و پیشرفت و پیروزی بر رقباست اصولاً رمز بقا و یک نشریه در بزنگاههای تاریخی همین «قدرت خلاقیت» است. اگر قدرت خلاقیت آنها ضعیف باشد در میدان «تنازع بقاء» بزودی شکست میخورند؛ همیشه بازار نشریه‌ای داغتر است که در ساختن اینگونه اخبار مهارت و هنرنمایی بیشتری از خود نشان دهد.

البته تار و زنامه و مجله جنبه تجارتي و سودجوئی دارد و میخواهند از این رهگذر درآمد بیشتری فراهم کنند همین آتش است و همین کاسه آخر آنها خرج دارند؛ کارمندانند، توقاتی از آنها دارند، همیشه هم که اوضاع دنیا بهم ریخته و بلبشو و دارای حوادث هیجان انگیز «طبیعی» نیست که مردم برای خریدن روزنامه سرودست بشکنند؛ وقتی حوادث پرهیجان طبیعی پیدانشد چه مانعی دارد که در مقام ضرورت از نوع «مصنوعی» آن استفاده شود؟

بدبختانه این وضع منحصر بکشور ما نیست در سایر نقاط دنیا نیز از اینگونه نشریات دیده میشود و اینها يك بلای بزرگ (از نظر اخلاقی و فکری) برای اجتماعات امروز هستند. عیب مطبوعات تجارتي تنها این یکی نیست، عیوب زیادی دارند که سابقاً هم ببعضی از آنها اشاره شده و درمان همه آنها يك چیز بیشتر نیست و آن اینست که از این صورت تجارتي و سودجوئی درآیند و در راه ارشاد و هدایت افکار مردم گام بردارند و اگر کمبود هزینه‌ای داشتند از طرق دیگر جبران گردد.

این قصه سردراز دارد، فقط میخواستم يك اشاره کوتاه کرده و بگذریم - البته مطبوعات باهدف وضعشان و حسابشان جدا و مورد احترام هستند.

* * *

پروفسور «راسل لی» و تعدد زوجات

راستی خدا پروفسور «راسل لی»، را عمر طولانی (برای خدمت بجهان بشریت) دهد، و هر کجا هست وجودش را از آفات و گزند زمانه برکنار دارد. چندی قبل در یک کنفرانس علمی مطلبی در موضوع «طبیعی بودن تعدد زوجات» اظهار داشت (مطلبی که شاید قبلاً هم اظهار شده بود) و از این راه خدمت شایانی بکشور ما؛ - ببخشید بدمه‌ای از روزنامه نگاران کشور ما - نمود و خوراک مناسبی برای نشریه آنها تأمندی فراهم کرد.

پروفسور راسل لی چه گفت؟ او در یک محفل علمی در دانشگاه «کالیفرنیا» در حضور ۹۰۰ نفر از پزشکان و دانشمندان جهان اظهار داشت:

«ازدواج يك نفری برای انسان ، بعنوان یکی از پستانداران ، چیز عجیب و غیر طبیعی است ، حیوانات پستاندار در حال طبیعی بر تعدادی از جنس مخالف خود تسلط دارند ، او عقیده دارد در ازدواجهای کنونی یکنوع رنج همراه ازدواج مردان است و شاید یک علت آن آزادی ازدست رفته مردان (و محرومیت از تعدد زوجات) میباشد . این دانشمند امریکایی افزود زنان باید بساین مطلب توجه داشته باشند که مردان احتیاج بیشتری دارند ، (۱)

بلافاصله بعضی از جرائد این خبر را قاپیدند و تامدت مدیدی از آن بهره برداری میکردند . البته اگر آنها نظریه این دانشمند را منمکس کرده بودند ؛ یا لاقلاً از متخصمین فن و دانشمندان علوم طبیعی و حقوقدانها خواسته بودند که درباره نظریه «پروفسور راسلی» اظهار عقیده کنند بسیار خوب بود و وظیفه مطبوعاتی خود را انجام داده بودند .

ولی آنها چنین نکردند ؛ چرا ؟ چون در اینصورت موضوع جالب و تکان دهنده‌ای از کار در نیامد و دهان خوانندگان محترم آب نمیافتاد . آنها از تمام طبقات ؛ خوانندگان و نوازندگان و ستاره های سینما و ورزشکاران و قهرمانان کشتی و خانمهای خانه دارو ... ، و برای خالی نبودن عریضه ضمناً از دانشمندان و اساتید دانشگاه هم دعوت کردند که در این بحث حیاتی شرکت و اظهار نظر کنند (اساتید دانشگاه غالباً نظر راسلی را تایید نمودند ؛ ضمناً بعضی تأکید کردند که تعدد زوجات کمک مؤثری بسالم شدن نسل و نیرومند شدن فرزندان میکند) .

بهر حال ، کار بحث و گفتگو بالا گرفت و استدلالات علمی ، از طرفین رد و بدل میشد تا آنجا که یکی از «هنرمندان» ؛ برای اثبات عقیده خود و حمایت از پروفسور راسلی ، بوضع تنظیم شناسنامه ها ، و اینکه جای چند زن در آن قرارداد شده ؛ استدلال کرده بود ؛ مخالفین «راسلی» هم لبه تیز حمله را متوجه شخص او ساخته و از اینکه او انسان اشرف مخلوقات را بسایر حیوانات پستاندار مقایسه کرده و توجه باین نکته «دقیق» ؛ ننموده است ؛ اظهار تأسف کرده و او را شدیداً ملامت نمودند .

غافل از اینکه امروز غالب مطالعات علمی که برای شناخت انسان از نظر جسمی و غرائز مختلف حیوانی ، و انواع بیماریها و درمان آنها میشود قبلاً روی حیوانات صورت

می‌گیرد و کتب علوم طبیعی، و طبیبی، پر است از اینگونه مقایسه‌ها، مگر اینکه مخالفین راسلی بایک حمله گزافه‌ری همه آنها را ابطال کنند!

یکی از مخالفین، خانمی بود که گفته بود اگر تعدد همسر و تنوع برای مردها خوب است پس برای ما چرا خوب نیست؟! کجا بود پروفیسور راسلی که این استدالات پرمایه علمی را بشنود.

خلاصه؛ این بحثی را که پروفیسور نامبرده امریکائی در سه پوزیم پزشکی دانشگاه کالیفرنیا در برابر ۹۰۰ نفر از پزشکان و اسنادان دانشگاه و متخصصان فن کرده بود در دست و پای مردم کوچک و بازار کشور ما افتاد؛ و همه بدون استثناء برای خدمت به علم و دانش و روشن شدن ذهن امثال راسلی‌ها دامن‌هت بکمر زدند و تمام جوانب مسأله را حلاجی کردند، و همه ما بقدر کافی (واژه بیشتر عده‌ای از گردانندگان مطبوعات) استفاده بردیم.

* * *

تعدد زوجات با متد اروپائی

جالب توجه اینکه تنها بجنبه‌های علمی مسأله از نظر پزشکی و جامعه‌شناسی و روانشناسی قناعت نشد؛ و از آنجا که مسأله جنبه مذهبی هم داشت پای بحثهای مذهبی هم بمیان کشیده شد؛ بازم بدون استثناء همه بهمان قرصی و حکمی که روی مطلب پروفیسور راسل اظهار نظر نمودند و نظریه‌ها و بوسیله افرادی که شاید کمترین اطلاعی از طب و علوم طبیعی نداشتند «خرد و خمیر» شد؛ از جنبه‌های مذهبی هم وارد میدان شدند و حق مطلب را ادا کردند، حتی برای نمونه من ندیدم یک نفر اظهار کرده باشد و بست این قسمت به دانشمندان و متخصصین علوم اسلامی و اگذار شود، بلکه همه بخود اجازه هرگونه دخالتی را در این بحث دادند!

بعضی نوشتند: اگر در اسلام مسأله تعدد زوجات تا چهار نفر اجازه داده شده؛ از قبیل تملیق به حال است، زیرا آنرا مشروط به عدالت نموده و فرموده است: **فان خفتن ان لاتعدلوا؛ فواحدة؛ یعنی** اگر می‌توسید رعایت عدالت نکنید بیک زن قناعت کنید، (۱) از طرفی در جای دیگر فرموده: **ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم؛ یعنی** - هیچگاه نمی‌توانید میان زنها عدالت را رعایت کنید اگر چه کوشش کنید، (۲).

اما معلوم نیست این آقایان چرا جمله اول این آیه را دیده و جمله دوم را بکلی فراموش کرده‌اند که میفرماید: **فلا تمیلوا کل المیل؛ یعنی** اگر زنان متعدداشتید تمایل خود را بکلی از بعضی از آنها بر ندارید، و از این تعبیر بخوبی استفاده می‌شود که منظور از عدم قدرت

بر رعایت عدالت، عدالت و مساوات از نظر تمایل و علاقه قلبی است که از تحت اختیار انسان بیرون است، و لذا جمله دوم آیه رعایت عدالت را از این نظر، که در اختیار انسان نیست ندانسته و دستور میدهد عدالت و مساوات از نظر طرز رفتار و اداء حقوق آنها رعایت شود (دقت کنید).

لذا در میان تمام فقهاء و دانشمندان علوم اسلامی (اعم از شیعه و سنی) حتی يك نفر پیدا نمی شود که اصل مسأله تعدد زوجات را از نظر قوانین اسلامی انکار کند؛ تاریخ اسلام، و سرگذشت یاران پیامبر اسلام (ص) و اصحاب ائمه علیهم السلام شاهد گویای این موضوع است. منتها آنطور که بعضی از مردم شهوتران و شهوت پرست خیال می کنند که اسلام با اجازه تعدد زوجات با هوسرانیهای آنها موافقت کرده و بدون هرگونه قید و شرط با آنها اجازه گرفتن همسران متعدد داده است بهیچوجه صحیح نیست. بنا بر این اصل موضوع از نظر قرآن و فقه اسلامی و تاریخ مسلم است اما حدود و شروطی هم دارد و رعایت حدود و شروط آنها تمایق به حال نیست؛ و موافق پیش می آید که با استفاده از این قانون اسلامی بسیاری از مشکلات اجتماعی و ضرورت های زناشویی حل می شود که فعلا مجال شرح آن نیست.

عده ای هم راستی خود را راحت کرده اند و با تعدد همسر بصورت «شرقی» و طبق اصول اسلامی موافق نیستند اما با «متد غربی و روش اروپائی» موافقند؛ یعنی اسم تعدد زوجات را نمی برند اما عمل بجای چهار زن با «چهل زن»؛ از راه های غیر مشروع رابطه دارند باز هم میگویند: خدا یکی زن هم یکی!

ولی هر چه بود مسأله را از کلیه جنبه های علمی و مذهبی تحت بررسی کامل قرار دادند و از تمام جهات روشن ساختند.

کتابخانه عمومی مکتب اسلام

تم - تاسیس ۱۳۴۳

* * *

شماره بخدا سوگند آیا این کار صحیح است؟ آیا درست است که هر کس در هر مسأله ای بدون هیچگونه صلاحیت دخالت کند و نظریه بدهد و عده ای از نویسندگان مطبوعات هم بردارند و آنها را با عکس و تفصیلات منتشر کنند؟ آیا درد نیائی که برای هر کار کوچکی سراغ متخصص و کارشناس میروند این عمل مسخره نیست؟

منظور ما یک نصیحت دوستانه اخلاقی بود امیدواریم در آینده در روش خود تجدید نظر کنند؛ ما نظری جز خیر و صلاح و سعادت اجتماع نداریم.